

دست برتر اسلام در رویارویی با غرب

اسلام امروز در مواجهه تمدنی با غرب در دو ساحت دست برتر دارد. یکی مسأله خانواده و دیگری مسأله پزشکی. مسأله خانواده نه فقط به این علت که در چند قرن اخیر سیاست‌های مربوط به خانواده در دنیای غرب غلط بوده بلکه به این علت که محتوا و شکل مباحثی که اسلام در حوزه خانواده مطرح کرده، بسیار غنی و کارآمد است.

عرصه پزشکی به دو علت می‌تواند بستر مناسب هم‌اوردی اسلام با دنیای غرب باشد. یکی به‌دلیل بن‌بست‌های درونی پزشکی مدرن که البته این بن‌بست‌ها ضرورتاً از جنس بن‌بست‌های علمی نیستند بلکه اولاً به‌دلیل روزافزونی هزینه‌های آن است که هرچند شاید با خدماتش هم متناسب باشد ولی به‌هرحال از منظر توده مردمی که باید هزینه درمان را پرداخت کنند قابل توجیه نیست؛ همچنان که از منظر دولت که بخش قابل توجهی از هزینه‌های تولید در پزشکی را می‌پردازد نیز توجیه‌پذیر نمی‌نماید. ثانیاً به‌دلیل سبک درمان در پزشکی مدرن است، شبیه بحران‌هایی مثل بحران‌های زیست‌محیطی در مدرنیته که هر راه‌حلی برای آن غرب را از چاله به چاه می‌اندازد، چراکه هر درمانی در این مکتب طبی، در نهایت منجر به آسیب به دیگر بخش‌های بدن می‌شود. این مسأله را در گذشته تنها خواص (اعم از پزشکان و...) می‌دانستند اما اینک تبدیل به یک باور عمومی شده است. دوم به‌دلیل ظهور یک رقیب جدی و تا حدودی کارآمد به نام طب سنتی- اسلامی که برخلاف گذشته، خود را حداقل در حوزه بیماری‌های خاص و حاد، با هزینه‌هایی بسیار کمتر از هزینه‌های پزشکی مدرن در دسترس مردم قرار داده است.

در جهان امروز، ارزیابی پزشکی مدرن با یکی از دودیدگاه ذیل صورت می‌گیرد:

دیدگاه نخست پزشکی را با رویکرد پدیدارشناسانه تحلیل کرده و آن را صرفاً از حیث تنایلی که مستقیماً بر خودش مبتنی است ارزیابی می‌نماید نه از حیث ربط‌هایی که به دیگر اجزای عالم کنونی دارد.

دیدگاه دوم- که مورد پذیرش ما نیز هست- بر این باور است که علم پزشکی را باید درون یک بسته به نام «مدرنیته» و خود مدرنیته را به‌صورت یک نظام‌واره‌تحلیل کرد. بر این اساس، پزشکی مدرن از فلسفه مدرن، از ریاضیات مدرن، از تکنولوژی مدرن، از اقتصاد مدرن و از سیاست مدرن جدا نخواهد بود. لذا با این درک که پزشکی مدرن درون یک اگرنیسم عمل می‌کند نقد‌هایی که به کلیت عالم مدرن وارد است، به اجزای آن نیز تسری پیدا می‌کند. به‌عبارت دیگر هرچند بسیاری از اشکالاتی که متوجه پزشکی مدرن است، ارتباط مستقیمی به آن ندارد اما نمی‌توان آن را کاملاً از این نتایج دور انگاشت.

از سوی دیگر، اگر به‌لحاظ روشی علم پزشکی را مورد تحلیل قرار دهیم، باید آن را در حوزه انسان‌شناختی فلسفی نیز بررسی کرد. زیرا موضوع پزشکی، انسان است. هر تعریفی از انسان در انسان‌شناسی غربی، امتداد آن در حوزه بدن که مربوط به پزشکی هست نیز سرایت می‌کند. به‌عنوان مثال اگر «مالکیولی» انسان مفید را به انسانی که مثل روباه، جوهر مکرش فعال شده تعریف می‌کند، اگر «توماس هابز» انسان‌ها را گرگ یکدیگر تعریف می‌کند، اگر («مارک» و «داروین» انسان‌ها را در ادامه تطور میمون تلقی می‌کنند، اگر «نیچه» که جمع‌بندی خود از انسانی که می‌تواند روباه، گرگ و میمون باشد، آن را ابرحیوان تعریف می‌کند و... نتیجه عملی همه این دیدگاه‌ها، در روش‌های درمانی انسان این می‌شود که انسان به جسم تقلیل یابد و جسم او نیز با جسم حیوان مشابهت‌انگاری شود. از همین‌روست که بسیاری از داروها و درمان‌های اکتشافی پزشکی مدرن، بدون هیچ مانع جدی انسان‌شناسانه ابتداء روی سگ، گربه و دیگر حیوانات تست و در صورت پاسخ مثبت، به بدن انسان نیز تزریق می‌شود.

کتاب «از نیستان و... دیگرستان» اثر سیدمهدی شجاعی توسط انتشارات نیستان هنر به چاپ دوم رسید. این کتاب داستان‌های کوتاهی را دربر می‌گیرد که نویسنده آنها را در دهه ۷۰ نوشته است. درواقع شجاعی از دغدغه‌های جامعه‌ای می‌گوید که پس از یک جنگ طولانی، در دوره سازندگی و توسعه قرار گرفته و فرهنگ کمتر اهمیتی دارد. این داستان‌ها با زبانی ساده و صریح، مسائل فرهنگی جامعه را توصیف و نقد می‌کنند. ویژگی داستان‌های

انتشار کتاب

«از نیستان و... دیگرستان» سیدمهدی شجاعی

شجاعی در این دهه و این کتاب، خلق زبانی ساده و سرراست و در عین حال صریح و تیز و رک است که نویسنده سعی دارد با بهره‌مندی از آن، مخاطبش را مستقیماً و در همان لایه نخست داستانی‌اش به سراغ موضوعی ببرد که او و جامعه‌اش را مبتلا به آن می‌داند. فضا‌های عاشقانه در این مجموعه نیز به دلیل شکل قلم نویسنده در این سال‌ها، ساختاری هیجانی و پرشتاب یافته و درنتیجه شکل و سبک تازه‌ای در بیان عاشقانه و نرم شجاعی

گفت‌وگوی «جام جم» با رهبر و خواننده «کنسرت ارکستر سازهای ایرانی به یاد خالقی»

نسل جوان باموسیقی ایرانی بیگانه نیست



در جامعه نقش داشته باشند؟

پوریا اховاس، خواننده ارکستر سازهای ایرانی به یاد خالقی: شکل‌گیری ارکسترهایی از این دست، اتفاق بسیار مهمی در حیات موسیقی دستگاهی و ارکسترال ایران است. ما باید میان «اجرای موسیقی ایرانی» و «بازآفرینی ارکسترال موسیقی ایرانی» تفاوت قائل شویم. ارکستر سازهای ایرانی می‌تواند امکان دیگری برای مواجهه با میراث موسیقایی ما ایجاد کند؛ به خصوص از این جهت که رنگ آمیزی صوتی سازهای ایرانی را در یک ساختار ارکسترال و چندلایه قرار می‌دهد. در موسیقی ایرانی، مسأله فقط ملودی و ردیف نیست؛ رنگ صوتی، ظرایف اجرایی، جمله‌بندی، فواصل، تکیه‌ها، تحریرها و نسبت میان بداهه و آهنگسازی همگی بخشی از هویت این موسیقی است. وقتی چنین عناصری در قالب یک ارکستر منسجم قرار می‌گیرند، طبیعتاً نیازمند تنظیم، ارکستراسیون و نگاه آهنگسازانه‌ای هستیم که بتواند ضمن حفظ هویت سازها، ظرفیت‌های پلی فونیک و هارمونیک ارکستر را هم به کار بگیرد. از طرف دیگر، به نظر من استقلال این ارکسترها اهمیت زیادی دارد. ارکسترهای دولتی و رسمی طبیعتاً مأموریت‌ها و ساختارهای مشخص خودشان را دارند. اما ارکسترهای مستقل می‌توانند با آزادی بیشتری سراغ تجربه، بازخوانی و حتی بازتعریف آثار بروند. اگر این حرکت با دانش، کیفیت اجرایی و شناخت دقیق از سنت موسیقی ایرانی همراه باشد، می‌تواند به تداوم یک جریان فرهنگی کمک کند؛ نه صرفاً به اجرای چند کنسرت.

۴ جنبه‌های خاطره انگیز بودن این کنسرت به بین اجرای قطعات موسیقی دو فیلم دلشدگان و مادر از دید شما به چه شکل است؟

پوریا اховاس: فکر می‌کنم این وجه نوستالژیک، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این برنامه است؛ اما تاریخ می‌دهم واژه «نوستالژی» را صرفاً به معنای خاطره‌انگیز بودن موسیقی به کار نبریم. بعضی آثار هنری به مرور زمان تبدیل به بخشی از حافظه شنیداری و فرهنگی یک جامعه می‌شوند. از سوی دیگر، موسیقی فیلم‌های علی حاتمی از همین جنس است. در آثار حاتمی، موسیقی صرفاً عنصری برای همراهی تصویر نیست؛ بلکه بخشی از روایت و هویت اثر است. بنابراین وقتی مخاطب امروز آن ملودی‌ها و فضاهای موسیقایی را می‌شنود، درواقع فقط یک قطعه موسیقی پیش رویش نیست، بلکه مجموعه‌ای از تصاویر، شخصیت‌ها، دیالوگ‌ها و خاطرات فرهنگی برای او تداعی می‌شود. علاوه براین، قرارگرفتن نام‌هایی مانند حسین علیزاده و ارسلان کامکار در کنار این آثار، به برنامه یک وجه تاریخی و هنری مضاعف می‌دهد. اینجا با یک بازتولید صرف مواجه نیستیم؛ مسأله این است که آثار متعلق به دوره‌های مختلف، در زمانه امروز دوباره شنیده شوند. برای من جذابیت چنین کنسرتی دقیقاً در همین نقطه است: مخاطب متخصص می‌تواند از منظر فرم، تنظیم، ارکستراسیون و تکنیک به آن نگاه کند و مخاطب عمومی‌تر نیز می‌تواند با خاطره و عاطفه خودش با موسیقی ارتباط بگیرد. وقتی یک اثر بتواند این دو سطح از ارتباط را هم‌زمان ایجاد کند، اتفاق ارزشمندی افتاده است. به نظر من یکی از ارزشمندترین وجوه این برنامه همین کنار هم قرارگرفتن آهنگسازیانی است که هرکدام متعلق به یک مقطع مهم از تاریخ موسیقی معاصر ایران هستند.

۴ به نظر مهم‌ترین شاخصه‌این ارکستر، بهره‌گیری از نام هنرمند بزرگی مانند روح‌الله خالقی است. نظر شما دراین باره چیست؟

پوریا اховاس: اگر به تاریخ موسیقی ارکسترال ایران نگاه کنیم، می‌بینیم که هر نسل در حال گفت‌وگو با نسل

همراهان سرشناس آکادمی

مای ماسری، سازنده درام اجتماعی «۳۰۰۰ شب» از جمله افراد مؤسس آکادمی فیلم غزه است و هنرمندان پیشرویی همچون کوثرین هنیه (که اتفاقاً درام تکان‌دهنده اجتماعی و سیاسی او «صدای هند رجب» سال گذشته تماشاگران جشنواره ونیز را شوقه کرد و توانست یکی از جوایز اصلی جشنواره را از آن خود کند، آن‌ماری جاکیر (سازنده درام تاریخی ضدصهیونیستی

در داستان نویسی پدید آورده است؛ که ویژگی بارز آن خلق تناسبی رئال میان حس عاشقانه ونگاه عاقلانه در روایت‌های داستانی اوست. انتقادات رک و صریح سید مهدی شجاعی در سراسر داستان‌های ۱۴گانه این اثر دیده می‌شود. وجود همین صراحت باعث شده تا در داستان‌های کوتاه کتاب حاضر، اثری از استعاره و استعاره‌پردازی دیده نشود و اگر مفهومی به کار می‌رود، نماینده معنای اصلی خود باشد.

پیش از خودش بوده است. روح‌الله خالقی در شکل‌گیری نگاه نوین به ارکستراسیون و آهنگسازی با تکیه بر عناصر موسیقی ایرانی نقش بسیار مهمی دارد. بعدتر، آهنگسازانی مانند علی تجویدی، هرکدام با زبان و تجربه شخصی خودشان این مسیر را ادامه دادند. در نسل‌های بعد، آهنگسازیانی چون حسین علیزاده و ارسلان کامکار، نگاه‌های متفاوتی به ظرفیت‌های موسیقی ایرانی و نسبت آن با فرم‌ها و امکانات موسیقی معاصر ارائه کردند. بنابراین وقتی آثار این هنرمندان در یک برنامه کنار هم قرار می‌گیرند، به نظر من اتفاق صرفاً یک «کنسرت» نیست؛ نوعی بازخوانی تاریخی سیر تحول موسیقی ایرانی است. البته این پیوند زمانی ارزشمندتر می‌شود که صرفاً به اجرای نوستالژیک آثار گذشته محدود نشود. ما نباید میراث موسیقایی را در موزه نگه داریم. میراث زمانی زنده است که هر نسل بتواند آن را دوباره بخواند، بشنود و از زاویه نگاه خودش با آن وارد گفت‌وگو شود. ارکستر سازهای ایرانی از این منظر می‌تواند نقش یک واسطه را ایفا کند؛ یعنی هم به اصالت و ویژگی‌های آثار گذشته وفادار بماند و هم امکان شنیده‌شدن دوباره آنها را بیان صوتی و اجرایی امروز فراهم کند. به نظر من این همان پلی است که میان گذشته و امروز می‌تواند شکل بگیرد.

۴ توجه به غلبه موسیقی پاپ در جامعه امروز، موسیقی کیفی چطور می‌تواند امکان بروز و ظهور بیشتری داشته باشد؟

پوریا اховاس: من باصل نگرانی درباره وضعیت سلیقه شنیداری موافقم. اما شخصاً ترجیح می‌اين است که مسأله را صرفاً به دوگانه «موسیقی پاپ و موسیقی جدی» تقلیل ندهم. پاپ هم می‌تواند موسیقی ارزشمند و خلاقانه داشته باشد و موسیقی به‌اصطلاح جدی هم الزاماً اثر با کیفیتی نیست. معیار اصلی باید کیفیت هنری، دانش موسیقایی، خلاقیت و صداقت در تولید اثر باشد. مسأله مهم‌تر، به نظر من، تغییر الگوی مصرف موسیقی است. نسل جوان امروز با حجم بسیار زیادی از تولیدات موسیقایی مواجه است و انتخاب‌هایش هم تا حد زیادی تحت تأثیر رسانه، الگوریتم‌ها و فضای مجازی قرار دارد. در چنین شرایطی، اگر موسیقی جدی و باکیفیت فقط منتظر بماند تا مخاطب خودش به سراغش بیاید، طبیعتاً کار دشوار خواهد بود. اینجااست که ارکسترهایی مانند ارکستر سازهای ایرانی می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. اما این نقش فقط با اجرای خوب محقق نمی‌شود. باید برای ارتباط با مخاطب امروز زبان ارتباطی امروز را هم شناخت. برنامه‌ریزی درست، انتخاب هوشمندانه ریژتوار، کیفیت صوتی و تصویری اجرا، مستندسازی، انتشار مناسب آثار و مهم‌تر از همه، ایجاد تجربه زنده و جذاب برای مخاطب جوان، همگی در این زمینه مؤثرند. من فکر می‌کنم نسل جوان الزاماً با موسیقی باکیفیت بیگانه نیست؛ اتفاقاً اگر موسیقی درست و با اجرای خوب به او عرضه شود، می‌تواند بسیار جدی با آن ارتباط برقرار کند. تجربه خود من در مواجهه با جوان‌ها این است که وقتی مخاطب احساس کند هنرمند با موسیقی‌ای که ارائه می‌کند صادقانه و عمیقاً زندگی کرده، آن ارتباط شکل می‌گیرد.

۴ راهکار شما برای پررنگ کردن جریان موسیقی اصیل در بطن جامعه فعلی چیست؟

پوریا اховاس: من الزاماً راهکار را در حذف یا نفی یک گونه موسیقایی نمی‌بینم. راهکار، بالابردن سطح عرضه و فراهم‌کردن امکان شنیده‌شدن موسیقی باکیفیت است. اگر موسیقی خوب، اجرای خوب و ارائه حرفه‌ای در دسترس باشد، مخاطب خودش قدرت تشخیص و انتخاب پیدا می‌کند. وظیفه ما به‌عنوان هنرمند این نیست که به جای مخاطب تصمیم بگیریم چه چیزی بشنود؛ وظیفه ما این است که آن‌قدر درست و باکیفیت تولید کنیم که موسیقی ارزشمند، فرصت واقعی برای شنیده‌شدن داشته باشد.



اховاس:

بعضی آثار

هنری به مرور

زمان تبدیل به

حافظه شنیداری

و فرهنگی یک

جامعه راه‌می‌یابد

بخشی از روایت

و هویت یک اثر

تلقی می‌شوند

«آکادمی فیلم غزه» در خدمت مردم فلسطین

تلاش‌های تازه برای رساترکردن صدای مظلومیت فلسطین

جوانان و علاقه‌مندان هنر سینما در فلسطین اشغالی است. در کنار تربیت فیلمسازان نوجو در این آکادمی، تولید فیلم در غزه و تلاش برای کسب امکانات نمایش فیلم در این شهر، از جمله اقدامات دیگر موسسان آن است. مدیران آکادمی امیدوارند بتوانند فضایی مناسب برای فعالیت‌های سینمایی جوانان و علاقه‌مندان در شهر نیمه‌ویران و جنگ‌زده غزه ایجاد کنند و درحالی‌که آینده این شهر در وضعیتی نامعلوم قرار دارد، تولید محصولات داستانی و مستند بتواند واقعیت‌های موجود در غزه را در معرض دید و قضاوت مردم جهان بگذارد.

واقعیت‌های غزه جلوی دوربین

آکادمی فیلم غزه توسط فیلمسازان پیشگام فلسطینی، گروهی از دست‌اندرکاران سینمایی جهان عرب و تعدادی از فیلمسازان و حرفه‌ای‌های صنعت سینمای جهان تأسیس شده است. هدف از تشکیل این آکادمی، آموزش سینمایی



پروژه موسیقایی «دلشدگان» با محوریت

اجرای موسیقی فیلم‌های ماندگار

«دلشدگان» و «مادر، ساخته زنده‌یاد

علی حاتمی و بزرگداشت هنرمندانی چون

حسین علیزاده و ارسلان کامکار در تالار

وحدت روی صحنه می‌رود. در این اجرا،

موسیقی فیلم‌های دلشدگان و مادر و

همین‌طور قطعاتی از بزرگان موسیقی اصیل ایرانی ازجمله روح‌الله

خالقی، علی تجویدی و حسینعلی ملاح با همراهی ارکستر سازهای

ایرانی به یاد خالقی روی صحنه خواهند رفت. رهبری این اجرا را

محمدرضا عزیزی به عهده دارد و پوریا اховاس نیز به‌عنوان

خواننده در این پروژه موسیقایی حضور خواهد داشت. دلشدگان

تلاشی است برای بازخوانی و اجرای دوباره بخشی از موسیقی

ماندگار سینمای ایران و ایجاد پیوند میان میراث موسیقی و

سینما برای نسل‌های مختلف. آنچه در پی می‌آید حاصل

گفت‌وگوی ما با رهبر ارکستر و خواننده این رویداد است.



۴ شاید بهتر باشد ابتدا این سؤال را با شما مطرح کنم که وجود خلأهایی در حیطه موسیقی فیلم باعث شد تا به فکر راه‌اندازی چنین پروژه‌ای در ارکستر بفتیتید؟

محمدرضا عزیزی، رهبر ارکستر سازهای ایرانی به یاد خالقی:

پیش از هر چیز باید به این مسأله اشاره کنم که امسال همزمان با صدویستمین سالروز تولد استاد روح‌الله خالقی، به بزرگاری سومین دوره «جایزه خالقی» پرداختیم و تصمیم گرفتیم به‌جز مراسم اختتامیه، برنامه‌های دیگری را هم ذیل این رویداد برگزار کنیم. یکی از این برنامه‌ها، «کنسرت ارکستر سازهای ایرانی به یاد خالقی» بوده است. در این بخش ما ضمن گرامیداشت جایگاه آهنگسازی هنرمندانی چون حسین علیزاده و ارسلان کامکار، با اجرای قطعاتی از موسیقی دو فیلم مادر و دلشدگان، نگاهی داریم به جهان هنری زنده‌یاد علی حاتمی. در نتیجه، از بین فیلم‌های مهم ایشان، دو اثر دلشدگان و مادر را انتخاب کردیم که به‌طور قطع، اجرای قطعات آنها، تجربه دل‌انگیزی برای ما و طرفداران ایشان خواهد بود.

۴ این کنسرت صرف‌نظر از ارائه موسیقی ارکسترال و مؤلفه‌های ارزشمند، دارای وجوه نوستالژیک هم برای مخاطبان است، و درعین حال، کمک می‌کند تا مردم بیش از پیش با مؤلفه‌های آهنگسازی هنرمندانی چون حسین علیزاده و ارسلان کامکار آشنا شوند. از این منظر فکر می‌کنید این رویداد چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد؟

محمدرضا عزیزی: این کنسرت به‌خصوص در شرایط فعلی کشور می‌تواند ابعاد مختلفی را در بر بگیرد. به این معنی که هم یادآور اصالت هنری ایران باشد و هم این نکته را

کنسرت به‌خصوص در شرایط فعلی کشور می‌تواند ابعاد مختلفی را در بر بگیرد. به این معنی که هم یادآور اصالت هنری ایران باشد و هم این نکته را

۴ مایلم این سؤال را با شما هم مطرح کنم که امروز ارکسترهای خصوصی چقدر توانسته‌اند در احیا و بازسازی موسیقی پرمحتوا



آیکائوس زیاری

در شرایطی که وضعیت مردم غزه نسبت به ماه‌های قبل تغییری نکرده و این شهر همچنان تحت محاصره و سرکوب نیروهای نظامی اسرائیل قرار دارد، هنرمندان متعهد فلسطینی دست از فعالیت‌های هنری خود در جهت رساندن صدا و پیام اهالی غزه نکشیده‌اند. از تازه‌ترین این اقدامات باید به حضور فعالانه سینماگران فلسطینی در جشنواره بین‌المللی فیلم ونیزاشاره کرد که با استقبال بالای تماشاگران و هنرمندان بین‌المللی همراه بوده است. تشکیل «آکادمی فیلم غزه» از مهم‌ترین اقدامات مشترک هنرمندان فلسطین و دیگر هنرمندان بین‌المللی است که در چندسال اخیر، حمایت‌های معنوی زیادی از مردم غزه و بقیه نقاط فلسطین داشته‌اند. این اتفاق

«فلسطین ۳۶») و عزالدین شلاح، از حامیان تشکیل آن هستند. بازیگران سرشناس سینمای جهان عرب همچون هیام عباس، رامی یوسف و صالح یکرى هم از دیگر حامیان آکادمی هستند و قول داده‌اند در برنامه‌های آموزشی آن حضور فعالی داشته باشند. علاء‌الکوتی، تهیه‌کننده معروف مصری و گوزلاییلدشیم، تهیه‌کننده ایتالیایی هم حمایت مالی و معنوی خود از آکادمی را اعلام کرده‌اند. در بیانیه‌ای که به‌مناسبت تشکیل آکادمی فیلم غزه منتشر شده، از جمله آمده است: «تمرکز آکادمی در وهله نخست بر تعلیم‌وتربیت جوانانی خواهد بود که قصد دارند آمال و آرزوهای ملت فلسطین را روی پرده سینما به‌تصویر بکشند. در کنار آن، حمایت‌از جوانان خوشفکر و به‌ویژه زنان، از دیگر فعالیت‌های آکادمی خواهد بود.»



متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید